

نگاه‌زور

- زانت آقای ارضارسانی
شورشهای دهقانی منطقه خزر در زمان انقلاب مشروطیت (۱۹۰۶-۱۹۰۹)
- براین مگی اعتراف‌الله فولادوند
فلسفه و سیاست (مصاحبه با رانلد دور کین)
- فریبرز رئیس دانا
همسرایان و مخالف خوانان در ساختار سیاسی روسیه
- مری آبرنهارت آشهیندخت خوارزمی
خروش موج سوم (مصاحبه با آلکون و هدی تانلر)
- تنها صدایی کوچکم... (شعرهای کودکان و نوجوانان جهان)
ایمنه طیب زاده
نقد ادبی و نقد درونی
- علی صلحجو
گواشهای عمده در تاریخ ترجمه
- گلن امانی /جهاد الله بن خرمشاهی /ازاله هوشنام /ناصر نیرمحمدی /و...
معرفی و بررسی کتاب، خبرهای فرهنگی و هنری، سیاحتی در دنیای ترجمه‌ها و...

فروردین-اردیبهشت ۱۳۷۳

۲۶۰ صفحه، ۲۵۰۰ ریال

۱۹

شورشهای دهقانی منطقه خزر در زمان انقلاب مشروطیت*

نگاه نو مقاله خانم دکتر ژانت آفاری (پژوهشگر ایرانی، مقیم امریکا) در دو شماره ترجمه و منتشر می‌کند. در این شماره با پیشینه تاریخی، تحولات ارضی، و مقدمات عینی و ذهنی شورشهای دهقانی در آستانه انقلاب مشروطیت و پیش از آن آشنا می‌شوید. و در شماره بعد به شورشهای دهقانی و تحولات و فرجام آنها می‌پردازیم.

نگاه نو

درباره جنبشهای دهقانی اوایل قرن بیستم هر روز مطالب تازه‌ای نوشته می‌شود. لیکن درباره ماجرای قیامهای دهقانی منطقه خزر در زمان انقلاب مشروطه ایران، ۱۹۰۶ تا ۱۹۱۱، بررسیهای چنداسی صورت نگرفته است.^۱ اگر به سه دسته از مطالب، یعنی روزنامه‌های انقلاب مشروطه و از جمله مجلس (۱۹۰۶ - ۱۹۰۸)، انجمن (۱۹۰۶ - ۱۹۰۹)، جلی‌المتین (۱۹۰۷ - ۱۹۰۹) و صوراسرافیل (۱۹۰۷ - ۱۹۰۸)، گزارشهای دیپلماتیک بریتانیاییها، و سفرنامه‌ها و خاطرات مربوط به آن زمان، توجه دقیقتری بکنیم روشن می‌شود که در دوره مشروطه اول، ۱۹۰۶ - ۱۹۰۸، اعتراضها و تحصنهایی به توسط دهقانان صورت می‌گرفت که غالباً از حمایت صنعتگران و کارگران (که فعالیتهای صنعتی را شروع کرده بودند) برخوردار می‌شد. چنین شورشهایی در نواحی شمالی گیلان و آذربایجان، که مستقیماً تحت تأثیر جریان عقاید رادیکال از قفقاز روسیه بودند، دامنه دارتر و ماندگارتر بود. در ضمن، در این

نواحی، سابقه‌ای طولانی از مبارزات اجتماعی در میان صنعتگران و پیشه‌وران وجود داشت و آنها صنف خود را داشتند و سنت اتحاد بین صنعتگران، تهیدستان شهری و دهقانان بی چیز، سنتی قوی بود.^۲

تنی چند از دست‌اندرکاران و نظران برجسته انقلاب مشروطه و نیز دیپلماتهای خارجی از انجمنهای دهقانی یا انجمنهای دهقانان و صنعتگران در آذربایجان و منطقه خزر ذکر به میان آورده‌اند.^۳ سید حسن تقی‌زاده، رهبر برآوازه انقلاب مشروطه، که در هر دو مجلس اول و دوم نمایندگی بود و در سالهای ۱۹۰۶ - ۱۹۱۰ رهبری حزب دموکرات را که حزبی سوسیال دموکراتیک، و منتقد بود به عهده داشت، به مشکلاتی که این انجمنها برای مجلس پدید می‌آوردند اشاره کرده است و گفته است که مجلس مجبور شد قانونی بگذراند تا جلورش انجمنهای ولایتی و روستایی را بگیرد:

به تدریج در ولایات و نهایتاً در بعضی از ایالات مانند آذربایجان و گیلان انجمنهایی در روستاهای بزرگ موجود آمد و چیزی نمانده بود که کار به هرج و مرج بکشد. مجلس با وقیعتی مواجه شد که نمی‌شد نادیده گرفتند. در نتیجه، برای افزایش قدرت، و برای راضی کردن ایالات، و همچنین برای پایان دادن به هرج و مرج و بی‌نانونی انجمنها، و به منظور از بین بردن انجمنهای ولایتی و روستایی، قانونی برای انجمنهای ایالتی و ولایتی نوشته شد.^۴

میخائیل پاولوویچ (۱۸۷۱ - ۱۹۱۹) سوسیال دموکرات روس و حامی صمیمی انقلابیون گیلانی و آذربایجانی در دوره استبداد صغیر، ۱۹۰۸ - ۱۹۰۹، که مقاله‌ها و تفسیرهایش در نشریه *Revue du Monde Musulman* زیاد به چاپ می‌رسید، از قیامهای دهقانی این دوره یاد کرده است. پاولوویچ در سال ۱۹۱۰ در مقاله «اوضاع دهقانی در ایران در آستانه انقلاب» نوشت که در جریان انقلاب:

دهقانان تعدادی از روستاها میباشان را اخراج کردند، مالیات ندادند، و در روستاهای خود انجمنهای محلی تشکیل دادند. هیچ مأمور دولت، زمیندار یا مباحثی جرئت نداشت که برای مالیات‌گیری به این روستاها وارد شود. این انجمنهای محلی برای تأمین هزینه‌های دولت، ده یک محصول را جمع می‌کردند و به انجمنهای شهری می‌فرستادند.^۵

یک دهه بعد، آوتیس سلطنتزاده، مارکسیست ارمنی ایرانی، انجمنهای دهقانی را دنباله مهم انقلاب مشروطه خواند. سلطنتزاده معتقد بود که انجمنهای دهقانی به مراتب رادیکالتر از انجمنها، بی‌بوده‌اند که در شهرها تشکیل شده بود:

در شهرها انجمنها معمولاً فقط ارگان کنترل بودند. حال آنکه انجمنها در روستاها قدرت را به دست گرفته بودند. تقریباً در همه جای ایران، به محض آنکه انجمنی در یک روستا تشکیل می‌شد نخستین کار آن تعقیب و دستگیری عمال شاه، امتناع از پرداخت مالیات، و تلاش برای تصرف زمین مالکان بزرگ، و نظایر آن بود.^۶

لیکن فقط در منابع سوسیال دموکرات و مدرکسیست نبود که به قیامهای دهقانی اشاره می‌شد. سده مهمی که از این دوره به جا مانده است خاطرات هایسینت رابینر (۱۸۷۷ - ۱۹۵۰) در ایران است که در سالهای ۱۹۰۶ تا ۱۹۱۰، یعنی به هنگامی که رابینر کنسول بریتانیا در رشت (گیلان) بود، نوشته شد.^۷ اگر این سند را در زمینه سایر مدارک آن دوره (خصوصی نشریه‌های حبیب‌المتین، و انجمن ملی ولایتی گیلان، و نیز گیلان در جنبش مشروطیت اثر ابراهیم فخرایی) در نظر آوریم، اهمیت آن بیشتر جلوه‌گر می‌شود.

بعدها فریدون آدمیت در اثرش به نام فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران بحث درباره اعتراضها و قیامهای دهقانی منطقه خزر و همدان را بسط داد. تحلیل پُریار آدیت هسپنین شامل نقدی است بر مجلسین اول و دوم (۱۹۰۶ - ۱۹۰۸ و ۱۹۰۹ - ۱۹۱۱) در مورد برنامه‌های حداقل آنها در زمینه اصلاحات ارضی.^۸

یک منبع بسیار مهم برای بررسی ابعاد دهقانی انقلاب مشروطه و نقش مجلس در این امر، ارگان رسمی مجلس به نام روزنامه مجلس یا مجلس است. در اکثر بررسیها، مذاکرات مجلس را که بیشتر در دسترس بوده است مبنای کار قرار داده‌اند، اما بیش از ۳۲۵ شماره مجلس بین سالهای ۱۹۰۶ و ۱۹۰۸ حاوی شواهد مهمی است بر این امر که مسئله ارضی در نخستین سالهای موجودیت مجلس اهمیت بسیار یافته بود. از نامه‌های خوانندگان روزنامه به وضوح برمی‌آید که وقتی مجلس در اوایل بهار ۱۹۰۷ مسئله اصلاحات ارضی را مورد نظر قرار داد مباحثات پرشوری در میان روشنفکران و هواداران دهقانان جریان داشت.

ما بحث خود را با مروری مختصر به نوشته‌های مربوط به ایران قرن نوزدهم آغاز می‌کنیم. در این نوشته‌ها عموماً به وختام بیشتر زندگی دهقانان و صنعتگران در نیمه دوم قرن نوزدهم اشاره رفته است و عنایت این وختام تا حدودی افزایش تماس اقتصادی با غرب ذکر شده است. با آغاز انقلاب مشروطه، به مباحثات درون مجلس اول در مورد مسئله ارضی و بحثهای مربوط به الغای تقسیم تیولی زمین در سال ۱۹۰۷ می‌رسیم. و سرانجام می‌پردازیم به منطقه گیلان که در آن نهضت روستایی به عالیترین صورت

خود در میان پیله‌وران تجلی یافت. با کمک چند صنعتگر رادیکال عضو انجمن ایالتی رشت که از این تشکیلات جدا شدند، شبکه‌ای از اتحادیه‌های صنعتگران و دهقانان پدید آمد که بعضی از مصایب جوامع روستایی را موضوع کار خود قرار داد و به خاطر اصلاحات نیم‌بند ارضی مجلس یا نمائندگان آن به مخالفت پرداخت. این مقاومت در کوههای منطقه طوالش بارزتر شد و در آنجا، جوامع روستایی تشکیلات خودمختاری برای کنترل منطقه برپا کردند و پس از کودتای ۱۹۰۸ که موقتاً حکومت استبدادی در تهران سر کار آمد، توانستند در برابر لشکرکشی که با خرج مقامات محلی و حکومت محمدعلی شاه صورت گرفت مقاومت کنند.

ویرانی اقتصاد روستایی در 'اواخر قرن نوزدهم

طبق بحثهای مجاب‌کننده لمتن، از آغاز دوره اسلامی در قرن هفتم میلادی الگوی اصلی زمینداری در ایران، الگوی جوامع روستایی مشترک بود. ملک‌داری که در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم صورت غالب اجاره زمین بود بر شکل اشتراکی اوسیه روستا تحمیل شد (در شکل اشتراکی، اعضا حقوق مالکانه برابر داشتند).^۹ مطالعات لمتن، کدی، عیسی، و بنخاش در مورد ایران قرن نوزدهم، و نیز بررسیهای پاولوویچ و سلطان‌زاده، در این امر اتفاق معنا دارند که به موازات افزایش ارضی بزرگ، وضع معیشت دهقانان نیز در نیمه دوم قرن نوزدهم وخیمتر شد.^{۱۰}

به گفته فریزر، که به بسیاری از نقاط ایران سفر کرد، دهقانان ایران در آغاز قرن نوزدهم از سطح زندگی نسبتاً بالایی برخوردار بودند. اعضای خانواده مسکن راحت، لباس کفانی، و غذای مناسب، شامل میوه و گاهی گوشت، داشتند.^{۱۱} فریزر ز بسیاری از حقوق سنتی یاد می‌کند که هنوز روستاییان از آنها برخوردار بودند، لیکن به درستی پیش‌بینی می‌کند که در دهه ۱۸۳۰ به سرعت از بین می‌روند. حق دهقان بر زمین به شدت توسط جامعه روستایی محافظت می‌شد. به راحتی نمی‌شد این حق را نادیده گرفت و اگر دهقان مرتباً جاره را می‌داد مالک نمی‌توانست زمین دهقان را تصرف کند. حداقل در آذربایجان دهقانان هنوز حق ترک روستا را داشتند و در این حالت سهم آنها به نفع روستاییان منتقل می‌شد و نه به زمیندار. لیکن فشار شدید حکومت و کارگزارانش رفته‌رفته بسیاری از حقوق سنتی را پایمال می‌کرد. بخصوص، اعتبار پیر روسا، ریش سفید، و شورای سالمندانی که اختلافات میان دهقانان را حل و فصل می‌کرد، از جانب زمینداران و مالکان تیول نقض شد. به این ترتیب، مالکان با سرق دادن دهقانان به مراتب خارجی و شاید هم حتی بیطرفتر، آنها را از قضاوت‌های سنتی شان محروم کردند.^{۱۲} در زمان فتحعلی شاه (۱۷۹۷ - ۱۸۳۴) برای افزایش عواید

سنتی اراضی سلطنتی اقداماتی صورت گرفت. مالیاتها که عمدتاً به ۱۰ درصد محصول منحصر می شد افزایش بسیار یافت و به ۲۵ تا ۳۰ درصد محصول سالانه رسید.^{۱۳} در اواخر قرن نوزدهم، یک سلسله گرایشهای سیاسی و اقتصادی در اثر افزایش مناسبات اقتصادی با غرب نیز سبب نزل اوضاع دهقانان شد. از دهه ۱۸۸۰ به بعد، در پی بهبود شبکه حمل و نقل، احداث خطوط جدید تلگراف به اروپا، رواج استفاده از کشتیهای بخار در دریای خزر و خلیج فارس، و بخصوص بعد از افتتاح کانال سوئز، تجارت با اروپا هفت برابر شد.^{۱۴} تقاضای پنبه، برنج، میوهجات و ابریشم در اروپا تأثیر محسوسی بر کشاورزی داخل گذاشت و سبب افزایش کشت محصولات نقدشو به زیان زراعت معیشتی شد. تأسیس نهادهای مالی به توسط بانکهای بریتانیایی و روسی نیز به تجارت شتاب داد. تجارت با روسیه به ۲۵ تا ۳۰ میلیون فرانک در سال رسید.^{۱۵} پنبه به قصد تجارت با روسیه در شمال کشت می شد و برای بریتانیا نیز تریاک به عمل می آمد که به خاور دور صادر می شد. مصنوعات وارداتی، از جمله متفادیر فزاینده منسوجات اروپایی، تأثیر مخربی در صنایع دستی دهقانان، کوچ نشینان و صنعتگران شهری گذاشت، زیرا محصولات اینان توان رقابت را با محموله های ارزانتر خارجی که به صورت کلان تولید می شد از دست می داد.^{۱۶} وانگهی، امضای انواع قراردادهای کشورهای اروپا، از قراردادهای گلستان و ترکمانچای در ۱۸۱۳ و ۱۸۲۸ گرفته تا پیمانهای تجاری انگلیس و روس در ۱۸۴۱، مانع اتخاذ تدابیری برای حمایت از محصولات داخلی شد.

نیاز به اعتباراتی برای تقویت قشون، خرید مال التجاره از اروپا، و اداره کشور، همراه با ریخت و پاشهای رژیم قاجار، جریان فروش اراضی سلطنتی به عموم را تسریع کرد. اتابک، نخست وزیر ناصرالدین شاه (۱۸۴۸ - ۱۸۹۶) انتقال خود ملک، و نه صرفاً عواید آن، به گماشتگان را تشویق می کرد. زمینی که به این طریق فروخته می شد مشمول مالیات سنگینی می شد که به صورت نقدی می بایست پرداخت شود و تسجیر خوانده می شد. در ظرف ده سال اراضی بسیار به این ترتیب فروخته شد. در اواخر حکومت ناصرالدین شاه، فرمان داده شد تا تمام زمینهای سلطنتی بجز زمینهای اطراف پایتخت فروخته شوند.^{۱۸} فروش سیستماتیک مناصب عالی از جانب حکومت مرکزی به قصد رفع نیاز پولی، معنی اش این بود که حکمرانی ایالات به بالاترین پیشنهاد خرید واگذار می شد. حاکم جدید به توبه خود زیردستانی را نصب می کرد که بیشترین عواید را از هر طریق نصیبش کنند، که این خود سبب سیه روزی بازم بیشتر دهقانان می شد. همان گونه که نیکی کدی گفته است، «دوره نفوذ غرب با وخامت اوضاع دهقانان همراه بود و نه صرفاً حفظ معیارهای سنتی... دهقانان مجبور

بودند از سلسله مراتب رسمی هر دم سخت گیرتری حمایت کنند که وظیفه اصلی اش چابیدن آنها بود.»^{۱۹}

روستاییان مجبور بودند در زیر نظر مباشر به کار توانفرسای خود بپردازند و مباشر در املاک بزرگ اختیارات نامحدود داشت. مباشر می توانست مقدار مالیات را تعیین یا عوض کند، دهقانان را مجازات و اخراج کند، و شورشگران را زندانی یا حتی اعدام کند. در مقابل، روستایی مجبور بود خوراک و مسکن این مباشران را تأمین کند که به گفته پائوویچ، «نگهبان، کلانتر، جاسوس سیاسی، همه کاره و جلاد او» بودند.^{۲۰} و «با آنکه فرد دهقان را نمی شد به عنوان رعیت فروخت، کل روستا را با حقوق حاکم بر کار سکنه آزادانه می فروختند.»^{۲۱} علاوه بر مسؤولیتهای جاری، انواع باجها، تعهدها و بیگاریها نیز از دهقانان انتظار می رفت. زنان روستایی در برابر امیال جنسی ملائکان مصونیتی نداشتند، زیرا در بعضی از نواحی دهقانان ناچار بودند دختران خود را به صورت صیغه سه ماهه به حرمسرای مالک بفرستند.^{۲۲} به همه اینها باید انواع مخارج دیگر را نیز افزود که روحانیون و حکومت سوی مالیاتها مطالبه می کردند، نظیر حق اجازه ازدواج که روحانیون محلی (علاوه بر مبلغی که ارباب انتظار داشت) مطالبه می کردند. سهمیه هایی نیز مثلاً برای تعمیر و احداث بناهای جدید وضع می شد. دهقان حتی اگر به شهر می رفت و سروکارش با ادارات می افتاد، غالباً می بایست مالیات عبور بپردازد.^{۲۳}

به این ترتیب، اساس اقتصاد خودپای روستایی به سرعت رو به خرابی رفت. این فرایند محصول چند عامل بود: ۱) فشار مالکان جدید برای کشت محصولات نقدشو که اصولاً بازار خارجی داشتند؛ ۲) رقابت مصنوعات وارداتی با محصولات دستی که قبل از آن مکمل و کمک خرج زندگی روستاییان و از جمله زنان روستایی بود؛ ۳) عدم سرمایه گذاری طبقه رو به رشد تاجران در صنایع. این طبقه در اثر تجارت خارجی پروبال گرفت اما درآمد خود را صرف سرمایه گذاری در زمین می کرد. این طبقه جدید زمینداران دستبردهای تازه ای به مال دهقانان زدند، زمین را به عنوان ملک خصوصی خود ضبط کردند، و در این بین، انواع مالیاتهای اضافی و نیز بیگاری را بر دهقانان تحمیل کردند؛ ۴) وقتی زمینداران کدخدایان روستاها را خود نصب کردند و حق حل و فصل اختلافات ارضی را خود به دست گرفتند آنچه از حقوق صدها ساله دهقانان در روستا باقی مانده بود، ولو اندک، پایمال شد. زمینداران مراتع مشاع دهقانان را گرفتند و به عنوان ملک خصوصی به ثبت رساندند. افزایش شدید سهم اربابان در محصول، و نیز فزونی مالیاتهای حکومت، دهقانان را به استقراض واداشت و آنها برای قرض گرفتن پول مجبور شدند زمین خود را وثیقه بگذارند و نهایتاً از آن

چشم پوشند. به این ترتیب، در زمره سهم بران بی‌زمین درآمدند، یا در مواردی، به قفقاز روسیه، آسیای میانه، یا هند، و نقاط دیگر کوچیدند.

لیکن جابه‌جایی گسترده نیروی کار در مرزهای ایران و روسیه صرفاً معلول ستم و فقر داخلی نبود. افزایش امکانات اقتصادی در اثر ایجاد مراکز جدید صنعتی در جنوب روسیه و بخصوص قفقاز نیز به این جابه‌جایی دامن می‌زد.^{۲۴} چنانکه حسن حکیمیان گفته است، در سال ۱۹۰۰ شمار ایرانیان ساکن روسیه تقریباً به صدهزار نفر می‌رسید. در سال ۱۹۱۳ تعداد آنها به نیم میلیون نفر رسید که اکثریت عظیم آنها را دهقانان و کارگران ساده تشکیل می‌دادند.^{۲۵} بسیاری از آنان که با حداقل دستمزد و در سخت‌ترین شرایط کار می‌کردند، کارگر کشاورزی شدند یا مشاغل چوب‌بنایی، کارگری در بندر و عملگری پیدا کردند. در سال ۱۹۰۳، کارگران ایرانی ۲۲٫۲ درصد کارگران نفتی باکو را تشکیل می‌دادند.^{۲۶} یا کو که مرکز صنعتی مهمی بود و شهرت بین‌المللی داشت در جریان انقلاب ۱۹۰۵ روسیه صحنه اعتصابهای گسترده کارگری بود و این جنبش کارگران ایرانی را نیز در تحت تأثیر خود گرفت. در جریان اعتصابهای ۱۹۰۶ در معادن و تأسیسات مس‌الله وردی در ارمنستان، ۲۵۰۰ آذربایجانی ایرانی را عبدالله یف به‌عنوان «هسته اساسی اعتصاب‌کنندگان» مشخص کرد.^{۲۷} در اواخر سال ۱۹۰۵، حکومت روسیه هزاران ایرانی را به‌زور از باکو اخراج کرد.^{۲۸} اما نیاز به کارگر مهاجر در روسیه چنان زیاد بود که هرگاه حکومت می‌خواست جابه‌جاییهای مرزی را کنترل کند با اعتراضهایی از جانب کارفرمایان محلی روبه‌رو می‌شد.

بیشتر کارگرانی که به قفقاز یا آسیای میانه می‌رفتند کارگران فصلی بودند که با شهر و روستای خود دائماً در تماس بودند و مهاجر دائم به حساب نمی‌آمدند. این عامل مهمی در اشاعه عقاید انقلابی از روسیه به ایران بود؛ در ایران نیز همانند بسیاری از انقلابهای شهری، دهقان کارگر شده بنابه توصیف جالب اریک ولف «انتقال‌دهنده عقاید سیاسی و ناآرامی شهری» شد.^{۲۹} و جنبش را به روستاها گسترش داد. در ایران، بسیاری از این کارگران عضو سازمانهای انقلابی مجاهدین شدند که آنها را از باکو سازماندهی می‌کردند. تشکیلات مجاهدین، که در کنار اعتقادات مذهبی اسلامی برنامه سوسیال دموکراتیک داشتند، شعبه‌هایی چه در شمال و چه در جنوب ایران داشت و در نهضت انقلابی نقش کلیدی بازی کرد.

انقلاب مشروطیت: مجلس و الغای تیول

در ۵ اوت ۱۹۰۶ ائتلافی از روشنفکران، تجار، پیشه‌وران و علما مظفرالدین شاه

(۱۸۹۶-۱۹۰۷) را واداشت تا پس از ماهها اعتصاب و تحصن آنان، فرمان ملوکانه اش را صادر کند. طبق این فرمان می‌بایست مجلسی از نمایندگان اُمرا، علماء، نجبا، ملاکان، تجار و اصناف طبقه متوسط تشکیل شود. قانون اساسی که حق نمایندگی به آنها می‌داد در ۳۰ دسامبر ۱۹۰۶ تصویب شد. در همین زمان، مهمترین و صریحترین تجلی دموکراسی را در انجمنهای طبقات پایین می‌شد دید که پس از اعتصابهای ۱۹۰۶ در سراسر کشور تشکیل شده بودند.

در سال ۱۹۰۵، درست پیش از انقلاب، چند انجمن سری تشکیل شده بود. اما این انجمنها عمدتاً گروههای مطالعاتی کوچکی از روشنفکران بودند که هم خود را وقف انتقاد از رژیم استبدادی می‌کردند.^{۳۰} انجمنهای انقلابی جدید، برعکس، سازمانهای علنی و توده‌ای و فعالی بودند که ارگانهای دموکراسی مستقیم شدند. قوانین انتخابات سپتامبر ۱۹۰۶ متضمن تشکیل انجمنهایی در شهرها برای نظارت بر انتخابات بود. اما انجمن تبریز از حدود تعیین شده بسیار فراتر رفت و به واسطه آراء عمومی به محض تکمیل انتخابات وضع دائمی پیدا کرد.^{۳۱} و این سرمشقی شد که در سراسر کشور به سرعت به آن تاسی کردند. علاوه بر انجمنهای ایالتی و ولایتی که ناظر جمع‌آوری مالیات بودند و حاکمان محلی را در کنترل داشتند، به‌زودی صدها انجمن مردمی تشکیل شد. انجمنهای ایالتی و ولایتی در کنار مجلس و حکومت، قدرت دوگانه‌ای پدید آوردند و انجمن تبریز در میان چنین شوراها بی‌همچنان قویترین و متنفذترین انجمن به‌شمار می‌آمد. انجمنهای مردمی نماینده منافع گوناگون اجتماعی، سیاسی و طبقاتی بودند. بعضی وابستگیهای تجاری و قومی داشتند، و بعضی، به‌رغم اینکه از هیچ حمایت رسمی برخوردار نبودند، مواضع سیاسی قوی اتخاذ می‌کردند. اعضای این انجمنها که در آنها روشنفکران، تجار، پیشه‌وران و روحانیان جزء نقش مهمی داشتند، رفته‌رفته در چند جنبه با مجلس و دربار درافتادند. تعدادی از انجمنهای زنان نیز که ضمن حمایت از هدفهای مشروطیت به امور خاص زنان هم می‌پرداختند در این دوره تشکیل شدند.^{۳۲}

انجمن تبریز در نخستین سال موجودیت با نهادهای سیاسی عمده کشور رویارو شد و به‌صورت شبه حکومت عرض اندام کرد. انجمن تبریز، خیلی زود مطبوعات آزاد به‌وجود آورد، قیمت نان را کاهش داد، قیمت اجناس ضروری را تثبیت کرد، و سیستم تعلیم و تربیت جدید را راه انداخت.^{۳۳}

انجمن تبریز و انجمنهای دیگر در ایالت‌های گیلان، مازندران، و خراسان از حمایت جمعیت‌های انقلابی مجاهدین برخوردار بودند. مجاهدین که ستاد مرکزی آنها، فرقه اجتماعيون عاميون (کمیته سوسیال دموکراتها) در باکو بود، عمدتاً از

کارگران، تجار و پیشه‌وران مهاجر ایرانی تشکیل می‌شدند. بسیاری از آنها در اثر تجربه انقلاب ۱۹۰۵ روسیه رادیکالتر شده بودند. فرقه اجتماعيون عاميون که در ۱۹۰۵ تأسیس شده بود هم با حزب همت که سوسیال دموکرات مسلمان بود مناسبات صمیمانه داشت و هم با کمیته‌های حزب سوسیال دموکرات کارگران روسیه در باکو و تفلیس.^{۳۴} فرقه همچنین هسته‌های انقلابی مجاهدین را در ایران رهبری می‌کرد که نفوذ آنها نه فقط در آذربایجان بلکه در تهران، مشهد و منطقه خزر در سالهای مشروطیت آشکار شد.^{۳۵}

نخستین کنگره حزبی مجاهدین که در اوایل سپتامبر ۱۹۰۷ در شهر مشهد در ایالت خراسان برگزار شد، خواهان حمایت فعالانه از آزادیخواهی و مشروطه‌خواهی در ایران شد. اما در برنامه، بعضی اصول سوسیال دموکراتیک برای رفع مظالم تحمیل شده بر کارگران و دهقانان نیز اعلام شد. در منشور حقوق شش ماده‌ای آن حق اعتصاب برای کارگران به هر منظوری «اعم از خصوصی، عمومی، یا سیاسی» و کاهش ساعات کار روزانه تقاضا شده بود و اعلام شده بود که «طول مدت کار نباید از هشت ساعت بیشتر باشد». بخشی از مفاد برنامه نیز به اصلاحات ارضی مربوط می‌شد. اراضی سلطنتی می‌بایست بدون اعطای غرامت مصادره شوند و زمینهای ملاکان (غیر از مقدار زمین لازم برای گذران مالک) می‌بایست از طریق یک بانک ملی خریداری و بین دهقانان و کارگران کشاورزی توزیع شوند.^{۳۶}

از بسیاری جهات، برنامه مجاهدین واکنشی بود در برابر مجلس که از اجرای اصلاحات ارضی جامعه‌تر خودداری کرده بود. در مارس ۱۹۰۷ مجلس سلسله مانورهایی را در مورد اصلاحات ارضی و مالیات آغاز کرده بود. هدف اصلی این اصلاحات افزایش عواید حکومت و متعادل کردن بودجه [دخل و خرج کشور - م] بود که تقریباً سه میلیون تومان کسری نشان می‌داد. در همین حال، مجلس در زیر فشار فزاینده روشنفکران رادیکال و اعضای مجاهدین قرار داشت و درخواستهای بسیار از دهقانان در مورد اجرای اصلاحات اساسی ارضی به منظور بهبود وضع آنها دریافت می‌کرد. چنین می‌نمود که راه حل هر دو مسئله فقر و فلاکت دهقانان و کسری بودجه انجام اصلاحات ارضی است. نویسنده‌ای از انزلی نوشت: «چرا باید درآمد یک روستا که سر به ده هزار تومان می‌زند به جیب یک نفر برود؟» و از مشروطه خواهان خواست تا «تیول را ملغی کنند» و در عوض، این درآمد را به خزانه بریزند تا صرف مصالح کل ملت شود.^{۳۷}

لیکن در مجلس در مورد دامنه اصلاحات اختلاف نظر بسیار وجود داشت. وثوق الدوله، که نماینده تجار تهران بود، پیشنهاد کرد که اضافه مالیات معروف به

تفاوت عملی (مقداری که حاکمان محل علاوه بر مالیاتهای تعیین شده حکومت می‌گرفتند) نیز به خزانه تهران واریز شود. بیشتر نمایندگان موافقت کردند و نظرشان این بود که روستاییان که قبلاً هم چنین مالیاتهایی را پرداخته بودند بازهم این مالیات را خواهند پرداخت.

اما عده‌ای هم علیه این پیشنهاد صحبت کردند. شیخ حسین مشهدی، نماینده قند و چای فروشان تهران، گفت که تفاوت عملی جزو مالیاتهای معمول نیست بلکه «اضافه میلیفی است که حاکمان به زور از دهقانان می‌گیرند.» و پرسید: «این مجلس که خود را سنگر عدالت می‌نامد چگونه می‌تواند چنین امری را مقرر کند؟» و اضافه کرد: «اگر مجلس چنین پیشنهادی را تصویب کند مورد نفرت مردم واقع می‌شود.»^{۳۸} حاجی میرزا ابراهیم، نماینده دوزندگان تهران، اصرار کرد که مجلس بودجه‌ای بنویسد و قبل از وضع کردن مالیات، هزینه‌های بودجه را اعلام کند. وی گفت که در غیر این صورت، «خیلی زود کل ملت علیه مجلس خواهد شد، حال آنکه اساس قدرت مجلس ناشی از ملت است.»^{۳۹}

نمایندگان دیگر سعی کردند راه حل مصالحه‌آمیزی بیابند. دهقانان پنج نوع مالیات می‌دادند. کدخداه، مباشر، مقامات جزء، و حاکم، هر کدام قبل از تحویل سهم حکومت مرکزی مقداری از مالیات جمع‌آوری شده را به جیب می‌زدند. میرعماد، روحانی اهل تنکابن در منطقه خزر، پیشنهاد کرد که مجلس اضافه مالیاتی را که سه گروه اول می‌گیرند ممنوع کند. در این صورت، رعایا با تدابیر مصوب مجلس مخالفت نخواهند کرد و خواهند گفت: «مجلس با بعضی تخفیفها در مورد دهقانان موافق است.»^{۴۰} اما بیشتر نمایندگان خبر داشتند که کلی‌گویی به نتیجه‌ای نمی‌رسد و می‌دانستند که بدون اصلاحات عمده ساختاری، ممکن است دهقانان با مالیاتهای سنگینتر و تزییقات شدیدتر مواجه شوند.^{۴۱}

مهمترین اقدام مجلس در جهت اصلاحات به مسئله تیول مربوط می‌شد. تقریباً همه نمایندگان قبول داشتند که نه صاحبان تیول بلکه حکومت باید این گونه عواید ارضی را جمع‌آوری کند و صاحبان تیول و از جمله روحانیان باید در عوض، سهمیه سالانه خود را از حکومت دریافت کنند. وقتی صاحبان تیول خواستار ادامه وضع موجود شدند، احسان‌الدوله، نماینده کارگران کشاورزی از تبریز، گفت که با روی کار بودن حکومت مشروطه و افزایش آزادی سیاسی «محال است که دهقانان برده صاحبان تیول باقی بمانند» و پیشنهاد کرد که سهمیه‌های تیول لغو شود.^{۴۲}

در همان زمانی که مجلس درگیر این بحثها بود، و تقریباً برای آنکه چیزهایی به گوش نمایندگان هم برسد، حجم گزارش اعتراضها و اعتصابهای دهقانی در صفحات

نشریه مجلس و روزنامه های دیگر چند برابر شد. ملاکان رشت در ایالت گیلان در آوریل ۱۹۰۷ تلگرافی به مجلس فرستادند و شکایت کردند که «دهقانان گیلان تصور می کنند که معنی مشروطیت آزادی و مالیات ندادن است! درست به همین دلیل، دهقانان این ناحیه شورش کرده اند و از پرداخت مالیاتهایشان امتناع می کنند. عده ای هم گریخته اند. تمام روستاها در التهاب است.»^{۴۳} عبدالحسین میرزا فرمانفرما، وزیر عدلیه و یکی از متمولترین زمینداران ایران، چنان از دهقانان خود نومید شد که در آن تابستان به مجلس شکایت برد؛^{۴۴} «دهقانان ما بی سوادند و نمی دانند معنی مشروطه خواهی چیست. خیال می کنند معنی اش چپاول مال مردم و ندادن بهره حقه مالک بر طبق قوانین شریعت است.»^{۴۵} مباشر او از روستایش در مراغه (آذربایجان) به او نوشته بود که «دهقانان اصلاً چیزی نمی پردازند و خود را فدایی می خوانند.»^{۴۶} حاج محمد اسماعیل آقا تبریزی، نماینده تجار تهران، نیز شکایت داشت که «هر کس ملکی در تبریز دارد، مباشرش را راه نمی دهند. اگر کسی دست به کار شود، انجمنها ممانعت می کنند و [دهقانان] خود را فدایی می نامند.»^{۴۷}

در گرماگرم این مباحثات، تقی زاده نماینده سخنور آذربایجان، با مخمصه دهقانان همدردی نمود و گفت: «در طغیان دهقانان به نظر می رسد که مالکان و ملاکان می خواهند سر دهقانان را ببرند، هر وقت دهقانان سر خود را بلند می کنند» به حساب «شورش» آنها گذاشته می شود.»^{۴۸} او گفت که اینک که اهالی شهرها خود را آزاد کرده اند «آیا انصاف است که دهقانان تحت همان استبداد بمانند؟ حکومت بر آنها نیز باید مشروطه اعلام شود.» تقی زاده امیدوار بود که تدابیر جدید مصوب مجلس سبب تخفیف سیه روزی دهقانان شود و از مهاجرت «سیصد هزار نفری که هر سال به خارج می گریزند» جلوگیری کند، زیرا این مهاجرتها به نظر او اصولاً معلول سوء رفتار مالکان و مباشران بود. لیکن او نیز مانند دیگرانی که قبلاً خواستار شده بودند، پیشنهاد کرد که تفاوت عمل (اضافه مالیات) به حکومت مرکزی محول شود. ملاکان سهمیه سالانه خود را از حکومت مرکزی بگیرند و حکومت عهده دار جمع آوری عواید از روستاها شود.^{۴۹}

نهایتاً مجلس سلسله اصلاحاتی را تصویب کرد. (۱) سهمیه تیول که به واسطه آن قشون و دربار و روحانیان از عواید روستا برخوردار می شدند لغو شد. اصطلاح بهتر به جای «لغو»، لفظی است که خود مجلس به کار برد و گفت «تیولها اعاده شدند». معنی اش این بود که عواید روستاها را حکومت جمع آوری کند و به خزانه تهران بریزد. صاحبان قبلی تیول همچنان حق دریافت جیره و مواجی را داشتند که البته به مراتب کمتر از چیزی بود که سالها از روستاها به جیب می زدند. دست کم، از لحاظ

نظری این اصلاحات به نفع دهقانان بود زیرا صاحبان تیول قانوناً کنترل روستاها را از دست می دادند. اما معنی اش این نبود که دهقانان مالک مختار محصول خودشان می شوند. برعکس، حکومت مرکزی عواید را جمع آوری می کرد، و بخشی از آن به صاحبان قبلی تیول تحویل می شد و بخشی دیگر به بودجه حکومت مرکزی اضافه می شد. (۲) تفاوت عمل یا اضافه مالیاتی را که قبلاً حکام محلی جمع آوری می کردند اینک می بایست حکومت مرکزی جمع آوری کند و به درآمد مملکت منضم سازد. مسئله منع مالیات گیری اضافی به توسط سران روستا یا مباشران و مقامات جزء، با آنکه شفاهاً مورد قبول قرار گرفت، هیچگاه عملی نشد. (۳) رسم تسعیر (پرداخت مالیات نقدی به توسط ملاکان به حکومت مرکزی) کان لم یکن اعلام شد. ملاکان که تا آن هنگام مبلغ بسیار کمتری به مالیات گیران پرداخته بودند دیگر مجبور بودند خود محصول را به عنوان بخشی از مالیاتهایشان واگذار کنند.^{۵۰} مجلس بعضی از اجبارها و الزامهای مرسوم و از جمله بیگاری را نیز ممنوع کرد و درباره امکان احداث مسکن و مدرسه در روستاها به بحث پرداخت که البته هیچ کدام به اجرا در نیامد.^{۵۱}

در ماههای بعد، در روزنامهها مطالبی حاکی از نارضایتی نسبت به مجلس به دلیل نیم بند بودن اصلاحات منتشر شد. البته از الغای تیول تا حدودی تقدیر شد، اما از اینکه برخلاف امیدهای اولیه، الغای این رسم به نفع دهقانان تمام نشده است سرخوردگی و نارضایتی قابل توجهی مشاهده شد. اهالی یزد نوشتند که وقتی فهمیدند «اعاده تیول» باری از دوش دهقانان کم نمی کند مایوس شدند و زبان به شکوه گشودند که «پس فایده اعاده عواید تیول برای دهقان بینوا چیست؟»^{۵۲}

پیگیرترین مدافع حقوق دهقانان در مجلس احسان الدوله بود که نماینده دهقانان و کارگران کشاورزی آذربایجان به شمار می رفت. او در زمان سلطنت ناصرالدین شاه به اروپا اعزام شده در رشته گیاه شناسی درس خوانده بود. احسان الدوله در اوت ۱۹۰۷، در نخستین سالگرد انقلاب، نامه سرگشاده ای از جانب موکلان خود نوشت و نمایندگان را از اعتصاب دهقانان بر حذر داشت:

شما مردان برجسته ای که نماینده پانزده میلیون ایرانی هستید و در این قلعه سلیمان جلوس کرده اید! ... و بیشترتان عذر و بهانه می یابید تا در جلسات مجلس مقدس ظاهر نشوید و بدون کالسکه و درشکه چهار قدم هم بر نمی دارید! می دانید که تمام مال و ثروت و توان حیانتان به موجودیت ما مخلوقات درهم شکسته منوط است؟ می دانید که در این برهه و مقطع حساس ناامنی مملکت اگر به اعتصاب عمومی متوسل شویم (وقتی از بلوا، ناامنی مملکت، کشتار و چپاول به ستوه آمده باشیم) شما از قحطی و گرسنگی هلاک می شوید و از مال و مناک و ملک و املاکتان کاری

احسان الدوله اضافه کرد که به رغم «تلگرافها و نامه‌های عدیده دهقانان بنوا» به وزارت داخله، هیچ اقدامی برای بهبود زندگی ملت صورت نگرفته است. دهقانان همچنان در زیر فشار مالیاتهای اضافی کمر خم می‌کردند و ملاکان همچنان به استعمار دهقانان مشغول بودند. در بسیاری از موارد، صاحبان سابق تیول به فرمانداری ولایتی که قبلاً تیول آنها بود منصوب شدند و در واقع قدرتشان «ده چندان» شد. اراضی سلطنتی هنوز به مخالفان مشروطیت داده می‌شد و عواید گمرکات بلژیک دست نخورده مانده بود. احسان الدوله با حرارت تمام خواهان استعفای نمایندگان شد: «بیاید وضعی به وجود نیاریم که دهقانان اعتراض کنند و ملت معزز گرسنگی بکشد. بهتر است نمایندگان استعفا دهند و اصلاح امور را به خود زارعیان واگذارند. ما باید رسماً بی‌لیاقتی خود را اعلام کنیم تا مردم بدانند که در کجا ایستاده‌اند و به وعده‌های شیرین ما دل خوش ندارند.»^{۵۴}

در بهار ۱۹۰۸، حاج سید عبدالحسین شهشانی، نماینده ایالت خراسان، فاش کرد که با آنکه اصلاحات در تعمیر (پرداخت نقدی) و تفاوت عمل (اضافه مالیات) درآمد حکومت را دو میلیون تومان بیشتر کرده است، این درآمد اصلاً به نفع دهقانان تمام نشده است.

سال قبل، مردم آنهمه علیه تفاوت عمل فریاد کردند و گفتند که همان مظالم و همان مصائب بر آنها روا می‌شود. ما گفتیم شاید [مالیات اضافه] برای ترمیم مملکت باشد. اگر امسال همان تفاوت عمل در کار باشد، اگر رأی بدهیم که پول را از مردم بگیرند و به شکم سیرها بدهند... مردم دیگر تحمل نمی‌کنند.^{۵۵}

تدابیر سه‌گانه مجلس به میزان قابل توجهی کنترل مجلس و حکومت مرکزی را بر ایالات افزایش داد. تأثیر این امر در زندگی دهقانان چند گونه بود. همان طور که لمتن نوشته است، در بعضی از نواحی، اصلاحات مصوب مجلس «وابستگی دهقانان به مالک یا تیول‌دار را کاهش داد»، لیکن در سایر مناطق آنها را در تحت انقیاد بیشتر مقامات حکومتی قرار داد که در واقع برای ملاکان و خوانین کار می‌کردند.^{۵۶} مجلس اول برای توزیع یا فروش زمین در میان دهقانان هیچ چاره‌ای نیندیشید. مسئله اصلاحات ارضی بار دیگر در دوره دوم مشروطه (سالهای ۱۹۰۹-۱۹۱۱) به توسط اعضای حزب دموکرات در بهار ۱۹۱۱ در مجلس مطرح شد. برنامه دموکراتها شامل پنج ماده دربارهٔ مناسبات بین مالکان و دهقانان و از جمله برنامه توزیع زمین بود. لیکن

در عمل، دموکراتها که خود در تابستان و پاییز ۱۹۱۰ همراه با بختیارها در قدرت کابینه سهیم بودند هیچ گام ملموسی برنداشتند.^{۵۷}

چنانکه فریدون آدمیت نوشته است، مباحثات مجلس اول نشان داده بود که حتی آزاداندیش‌ترین نمایندگان، مانند وکیل‌الرعیایا، نماینده همدان که روزنامه‌اش سخنگوی دهقانان بود، تقی‌زاده، نماینده مشهور و جناح چپ از آذربایجان، و حسام‌الاسلام، نماینده گیلان که بعداً رویاروی انجمنهای دهقانی رشت ایستاد، برای اصلاحات جزئی در مناسبات ارضی کمر همت بسته بودند. در مقابل، فرقهٔ اجتماعيون عاميون بود که برای نخستین بار طرح توزیع زمین را در برنامهٔ حزبی مجاهدین در مشهد در سال ۱۹۰۷ جای داد. اولین روزنامه‌ای که دربارهٔ مسئله «واگذاری زمین به دهقان» بحث کرد صور اسرافیل بود که در تحت تأثیر فرقهٔ اجتماعيون عاميون و نشریهٔ سوسیالیستی ارشاد یا کو قرار داشت. و نخستین نیروهایی که وارد عرصهٔ کارزار شدند و شورش مداوم توده‌ای را راهی برای رسیدن به این هدف تلقی کردند، دهقانان و مجاهدین منطقهٔ خزر بودند.^{۵۸}

• Int. J. Middle East Stud. 23 (1991), 137-161.

پی‌نوشتها

تشکر می‌کنم از همکاران مجموعهٔ خاور نزدیک در دانشگاه شیکاگو، بخصوص بروس کریگ، پل اسپرکمن، و محمد توکلی - ترقی، و نیز دیوید بیسلی در کتابخانهٔ عمومی نیویورک که پژوهش‌هایم را برای نوشتن مقاله حاضر تسهیل کرد. همچنین منشکرم از کامران آقاری، مایکل فلوگ، جان فورن، هری هاروتونیان، نیکی کدی، نامس ریگس، و بخصوص کوین اندرسن که دربارهٔ پیش‌نویسهای قبلی نظرات مفیدی داد. در ضمن، از نظرات بررسی‌کنندگان ناشناس نشریهٔ بین‌المللی بررسیهای خاورمیانه بهرهٔ فراوان گرفته‌ام. بدیهی است که مسؤلیت هرگونه عیب و نقصی صرفاً به عهدهٔ نگارنده است.

۱. بیشتر بررسیهایی که دربارهٔ انقلاب مشروطه صورت گرفته است، از جمله اثر کلاسیک ا.ج. براون به نام انقلاب ایران در ۱۹۰۵-۱۹۰۹ و بررسی پادمانی احمد کسروی به نام تاریخ مشروطهٔ ایران، به بعد شهری جنبش انقلابی مربوط می‌شود. کسروی البته گریزهایی زده است و مثلاً به حمایت جوامع روستایی از انجمن ایالتی تبریز در سال ۱۹۰۶ در جریان فعالیتهای سیاسی این انجمن اشاراتی داد. خصوصاً شرح داده که چگونه فلاکت روستاییان قره‌چین آذربایجان سبب رادیکال شدن بیشتر انجمن تبریز در بهار سال ۱۹۰۷ شد؛ در جریان آن، مجتهد بزرگ تبریز را جمعیت ششمگین از شهر بیرون کردند که این امر مشروطه‌خواهان تهران را ناراحت کرد. نگاه کنید به کسروی، تاریخ مشروطهٔ ایران (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۹۸۲، چاپ اول ۱۹۵۱)، صفحه‌های ۲۸۳ تا ۲۹۶. نیز نگاه کنید به

Asghar Fathi, "The Role of the 'Rebels' in the Constitutional Movement in Iran", *International Journal of Middle East Studies*, 10 (1979), 55-66;

Mohammad Reza Afshari, "The Pishvaran and Merchants in Precapitalist Iranian Society: An Essay on the Background and Causes of the Constitutional Revolution", *International Journal of Middle East Studies*, 15 (1983), 133-55.

2. Ibid, pp. 144-5.

۳. «انجمن» لفظ ایرانی قدیمی است که برای شوراها، مخفی یا نیمه مخفی که قبل و بعد از انقلاب ۱۹۰۶ تشکیل شدند به کار رفت. برای سابقه این واژه، نگاه کنید به

M. Bayat, "Anjomān", in Ehsan Yarshater, ed., *Encyclopaedia Iranica*, Vol. 2 (London and Boston: Routledge and Kegan Paul, 1983), pp. 77-88.

۴. سیدحسین تقی زاده، «تاریخ انقلاب ایران»، یغما (۱۹۶۶)، ص ۲۷. با تشکر از احمد اشرف که این سند را در اختیارم گذاشت.

5. 'La situation agraire en Perse à le veille de la revolution', *Revue du Monde Musulman*, 12 (Dec. 1910), 622.

نوشته‌های عدیده پاولوویچ درباره انقلاب ایران را باید در زمینه‌های دیگر نیز آزمود. اما جالب است که ا.ج. براون شرح پاولوویچ را درباره اتحاد ۱۹۰۷ انگلیس و روس آنقدر معتبر دانست که آن را به صورت ضمیمه‌ای در کتاب انقلاب ایران خود در صفحه‌های ۲۹ تا ۳۱ گنجاند.

۶. نگاه کنید به مقاله «جنبش انقلابی در ایران» به قلم سلطان زاده در

Cosroe Chaqueri, ed. *La social-démocratie en Iran* (Florence: Mazda Publications, 1979), p.70;

که نخستین بار در سال ۱۹۲۰ در ژورنال ناسیونال نویسی شماره ۲۹ چاپ شد.

۷. این خاطرات را، به صورت اصلی، ش. محمد روشن در مشروطه گیلان از یادداشت‌های رابینو (زشت: مطبوعاتی طاعتی، ۱۳۵۲/۱۹۷۳) نقل کرده است، که ما از این پس آن را به اختصار مشروطه گیلان می‌نامیم. اما رابینو در آن دوره یک دیپلمات معمولی اروپایی نبود. محمد روشن و براسنار خاطرات رابینو، بیش از جهل دستنوشته رابینو را دوباره جنبه‌های گوناگون تاریخ ایران، اقتصاد، کشاورزی، ادبیات، زبان و دستور زبان فارسی ذکر می‌کند (نگاه کنید به مقدمه، صفحه‌های XIV تا XVII). در واقع، ظاهراً رابینو در زمره نخستین کسانی بود که از تاریخ شفاهی منطقه بهره گرفت و در مطالعات خود به نقش جوامع اهمیت داد. وی شرح می‌دهد که با منشی ایرانی‌اش میرزا حسن خان صمصام‌الکتاب به «ملاقات طبعات مختلف مردم، علما و نجیب‌زادگان، تجاره بی چیزان و دهقانان بی‌بوا، اغنیا و مانکان، و یادداشت کردن نظرات آنان» می‌پرداخت. نتایج این مطالعات بار دیگر با این منابع اطلاعات واریسی

می‌شد. در این جریان خیلی وقتها دهقانان وارد بحثهای داغی در مورد «انواع برنج» بسیار متفاوتی می‌شدند که در اراضی کشت می‌شد، با از چوپانان و دهقانان منطقه گیلان خواسته می‌شد که حکایات و آوازهای محلی‌شان را نقل کنند و آنها می‌آمدند و «داستانهایی می‌گفتند و آوازهایی می‌خواندند» که رابینو و منشی‌اش ثبت می‌کردند (نگاه کنید به مشروطه گیلان، مقدمه، صفحه‌های XXIII تا XXIV).

۸. فریدون آدمیت، فکر و دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران (تهران: انتشارات پیام، ۱۹۸۱)، صفحه‌های ۶۵ تا ۹۱.

۹. ان لعتن می‌نویسد که برابری سهم مبتنی بر کیفیت و کمیت زمین بود

(Ann Lambton, *Landlord and Peasant in Persia* [London: Oxford University Press, 1969], p.6)

در این روش عمومی، حالتی خاصی نیز دیده می‌شد، مثلاً در مناطقی که تقسیم زمین به حق آب منوط بود. برای نمونه، در یزد زمین و آب مالکیت مجزا داشت و اندازه زمین معادل زمین مزروعی یا سهم آب نبود بلکه به «توانایی و تلاش هر دهقان» بستگی داشت. (نگاه کنید به

Ann Lambton, *The Persian Land Reform: 1962-1966* [Oxford: Clarendon Press, 1969], p. 8).

10. Nikki Keddie, "Historical Obstacles to Agrarian Change in Iran",

در

Charles Issawi, ed., *The Economic History of Iran: 1800-1914* (Chicago Press, 1971), pp.54-57.

نیز نگاه کنید در همین مجموعه به

Charles Issawi, "Geographical and Historical Background", pp. 1-19.

در این مجلد تعدادی جستار باارزش وجود دارد که در سراسر بررسی حاضر مورد استفاده قرار گرفته است. نیز نگاه کنید به:

M. Pavlovitch, "La situation agraire".

و

Avetis Sultanzade, "The Lines of Development of Modern Persia".

که اولین بار در سال ۱۹۲۸ در منبع زیر نوشته و چاپ شد:

Cosroe Chaqueri, ed., *Avetis Sultanzade: The Forgotten Revolutionary Theoretician (Life and Works)* (Tehran: Padzahr Publications, 1986), pp. 35-39.

شانول پخاش در کتاب

Iran: Monarchy, Bureaucracy, and Reform Under the Qajars, 1858-1896 (London: Ithaca Press, 1978)

در فصلی درباره «تلاشی قدرت مرکزی» مدارک جالبی از قیامها و اعتراضها علیه زمینداران و مقامات حکومت در این دوره آورده است (نگاه کنید به صفحه‌های ۲۸۷ تا ۲۸۹). نیز نگاه کنید به خسرو

موسوی، چاقه‌سختی دهقان ایران (تهران: انتشارات پیام، ۱۳۵۸/۱۳۳۳).

11. James B. Fraser, *Historical and Descriptive Accounts of Persia* (New York: Harper and Brothers, 1904), p. 218. 12. Ibid.
13. George H. Gussow, *Persia and the Persian Question*, Vol. 2 (London: Frank Cass and Company, 1999, originally published in 1992), pp. 470-71.
14. Issawi, *Economic History of Iran*, pp. 17-18. 15. Ibid.;

باز نگاه کنید به:

- Perlovitch, "La situation agraire", p. 133.
16. Kibella, "Historical Overview", p. 53. 17. Issawi, *Economic History of Iran*, p. 17.
 18. Lambton, *Landlord and Peasant in Persia*, p. 153.
 19. Kibella, "Historical Overview", pp. 54-55. 20. Perlovitch, "La situation agraire", p. 133.
 21. Kibella, "Historical Overview", p. 56. 22. Perlovitch, "La situation agraire", p. 131
 23. Leif Mørn, *Landlord and Peasant*, p. 153.
 24. Hasan Pallevat, "Wage Labor and Migration: Persian Workers in Southern Russia, 1880-1914", *International Journal of Middle East Studies*, 17 (1985), 443-60.
 25. Ibid., p. 447. 26. Z.Z. Abdullaha, "Bourgeoisie and Working Class, 1880s"
- Issawi, *Economic History of Iran*, p. 51.
27. Ibid. 28. Hamilton, "Wage Labor and Migration", p. 486.
 29. Eric R. Wolf, "Peasant Rebellion and Revolution",

در

Jack Goldstone, ed., *Revolutions: Theoretical, Comparative, and Historical Studies* (San Diego: Harcourt Brace Jovanovich, 1996), p. 173.

۳۰. نظم‌الاسلام کرمانی، تاریخ پیدایی (پولیتیک) جنبش (تهران: نشر آگه، ۱۳۸۳) نیز نگاه کنید به

در

Ehsan Yarshater, ed. *Encyclopaedia Iranica*, Vol. 3 (London and Boston: Routledge and Kegan Paul, 1983), pp. 77-95.

۳۱. موسوی، تاریخ مشروطیت ایران، صفحه‌های ۱۷۴-۱۷۵.

۳۲. برای بحث مربوط به:

James Ariens, "On the Origins of Feudalism in Early Twentieth Century Iran", *Journal of Women's History*, 5, no. 3 (1993), 55-57.

۳۳. نلسون آرت بریسی مهم کسانی هستند که تاریخ انقلاب مشروطیت و آشکارا از دیدگاه لیبرال تئوریک و «جنبشهای انقلابی معاصرین شرح می‌دهند. نیز نگاه کنید به بررسی جدیدتر منصوره رفیعی، «مجلس (تهران، ۱۳۸۲) که بعضی از «اصولیات اقتصادی» لیبرال تئوریک را مورد بحث قرار می‌دهد.

۳۴. برای بحث درباره اشتباهات نامی و وابستگی آن با حزب سوسیال دموکرات کارگران روسیه و هشتاد و نگاه کنید به

Tatouaz, *Socialist Party: Socialism and the Nationalist Question in Russian Azerbaijan, 1904-1920*, *Revue du monde musulman et de la Méditerranée*, 18 (1976), 119-42.

۳۵. در سال ۱۳۰۸، مقامات پرستشیا دستور انحصار می‌دادند بر آن در منطقه‌های آذربایجان و بافقار ۱۵۰ نفر برآورد کردند (نقل شده در مجله «تجدید» شماره ۲۰۵، ژوئیه ۱۳۰۸).

36. "Programme de l'organisation révolutionnaire (russienne) Bakhsh", *Iran*.

La social-démocratie en Iran (Florence: Éditions Mazda, 1978), pp. 147-50.

۳۷. «تجدید» شماره ۶۲، ۱۱ آوریل ۱۳۰۷ نیز نگاه کنید به «تجدید» شماره ۱۳۱، ۱۳۰۷.

۳۸. «تجدید» شماره ۱۳۷، ۳۰ مارس ۱۳۰۷. ۳۹. «تجدید» شماره ۱۶۰، ۶ آوریل ۱۳۰۷.

۴۰- همان جا، نظریه‌ی مشروطیت در فارسی به معنی «مطلبان است» معنی می‌کنند هر کسی باشد. لفظ «تجدید» این لفظ را «مطلبان» تعبیر کرده‌ام که شرایط توصیف شده در متن به سرانجام نشان می‌دهد این امر باشد.

۴۱. «تجدید» شماره ۱۵۹، ۳ آوریل ۱۳۰۷. ۴۲. «تجدید» شماره ۱۷۶، ۲۵ آوریل ۱۳۰۷.

۴۳. «تجدید» شماره ۱۶۱، ۸ آوریل ۱۳۰۷. ۴۴. نگاه کنید به «تجدید» شماره ۱۷۶، ۲۵ آوریل ۱۳۰۷، «تجدید» شماره ۱۷۶، ۲۵ آوریل ۱۳۰۷.

۴۵. «تجدید» شماره ۱۸۷، ۱۸ اوت ۱۳۰۷.

۴۶- همان جا، نمایان مبارزات انقلابی و تشکیلات «مجاهدین» بودند که مسوولیت انجام به نیروهای سیاسی را داشتند. لیکن مردم وقتی از مبارزین داوطلب سرقت‌های زندگی، در لفظ «تجدید» و «مطلبان» را خیلی وقتها به صورت اشتباه به کار می‌بردند.

۴۷. «تجدید» شماره ۱۸۷، ۱۸ اوت ۱۳۰۷. ۴۸. «تجدید» شماره ۱۶۱، ۲۵ آوریل ۱۳۰۷. ۴۹. همان جا.

۵۰. نگاه کنید به «تجدید» شماره ۱۶۱، ۸ آوریل ۱۳۰۷. ۵۱. برای به‌کارگیری بیشتر، ۱۸۰ رأی به اعلام موافقت بود که به حکومت مرکزی، و ۶۸ رأی به تعیین اضافه مالیات نظامی به معنای حکومت مرکزی داده شد. خلاصه‌ای از اصلاحات در موسوی، «تاریخ مشروطیت ایران»، صفحه‌های ۲۲۸-۲۲۹ و نیز در

Leif Mørn, *Persian Landlord and Peasant*, pp. 12-31.

آمده است. لیکن همچنین نوشته است که اصلاحات سبب تغییر در ساختار اساسی طبقات زمیندار کشور نمی‌شود، اما وجود این «دست‌کم از لحاظ نظری» از عروج شدن زمینداران وسیع‌تر و «دوره گذر» حکومت مرکزی «مسئولیت» دارند و راه را برای ایجاد یک نحوه جدید مالکیت‌گیری صاف کردند (صفحه ۳۳).

۵۱. آرمیت، فلکر شو کرامی اجتماعی، صفحه ۶۷. ۵۲. مجلس شماره ۱۳۰۱۳۵، ژوئن ۱۹۰۷.
۵۳. مجلس شماره ۱۵۰۱۵۷، اوت ۱۹۰۷. ۵۴. مجلس شماره ۱۵۰۱۵۶، اوت ۱۹۰۷.
۵۵. مجلس شماره ۱۰۰۳۰۲۵، آوریل ۱۹۰۸.
۵۶. نگاه کنید به

London, Persia Land Reform, pp.22-23.

۵۷. برنامه حزب در ایران نو، شماره ۲۰ (۲۰ مارس ۱۹۱۱)، صفحه‌های ۱-۲، چاپ شد. تصاویر گن مجلس با تمام ستایش اعلام شده شان از انقلاب فراموش، از این امر حاصل می‌آید که حتی در آن انقلاب که یکصد سال پیش صورت گرفته بود، اعلام شد. ۵ اوت ۱۹۰۹ (وقتی مجلس به حقوق مالکانه قروالی حمله کرد) و اقدام روز ۱۷ ژوئن ۱۹۱۳ (وقتی تمامی امتیازات و حقوق خودایی و اربابی منس و لایس بدون پرداخت فراموش معاصر شد) جزء لاینفک جمهوری تازه تشکیل شده پورزایی بود و بدون آن جمهوری نمی توانست مدت زیادی دوام بیورد.

۵۸. آرمیت، فلکر شو کرامی اجتماعی، صفحه ۶۳.

محل فروش شماره های پیشین **کتابخانه**

کتابخانه مرتضوی

خیابان انقلاب، مقابل دانشگاه تهران

خیابان قهر رازی، شماره ۶، طبقه ۲